



## همسری برگزیده ام که میری!

گزینش در امر ازدواج، از حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار است. جوان‌های الان هم که حساس!... فلذاست که بروز کمترین اشتباه و انحرافی در انتخاب گزینه مناسب می‌تواند کانون گرم خانواده را در آینده با خطر فروپاشی نامناسب مواجه کند. شیرینی و دلنشینی انتخاب همسر مناسب و هم کفو، می‌ارزد که آدم زمین و زمان را به هم بدوزد و حتی از زیر سنگ هم شده، همسر متناسب با افکار و احوال خودش را پیدا نماید و هرگز گوش به این شایعات واهی ندهد که: «گشتیم نبود، نگرد نیست!»

### القای یأس دسته جمعی:

گفتند یافت می‌نشود، جسته ایم ما...

### اظهار امیدواری یک تهِ:

گفت آن که یافت می‌نشود، آنم آرزوست!

از قدیم و ندیم گفتند: «هر که طاووس خواهد، جور هندوستان کشد». نمی‌شود که آدم دم‌بخت، کنج خانه‌اش بنشیند و انتظار داشته باشد بلا تشبیه مثل یارانه، همسر مناسبش از هوا بیفتد پایین؛ یا بر طبق تصورات کهن باستانی، با یک اسب سفید بالدار از دور دست‌های خوشبختی بیدایش شود. خب آدمیم واز بدشانسی یا کمبود اسب، اسبش بالدار نبود و شاخدار بود... حالاً بیاد درستش کن! حتی آدم مهمی مثل جناب حافظ شیرازی هم برای آن که «شاخ نبات» مناسب خودش را که با فقر و فاقه‌اش بسازد و خوشه اولی بودنش را به رخش نکشد، پیدا کند؛ طبق اسناد موجود، تمام سوراخ‌سمبه‌های جهان را می‌گرد و آنگاه که همسر دلبرش را می‌یابد، فریاد بر می‌آورد که ایها الناس... گشته ام در جهان و آخر کار

دلبری برگزیده ام که میری  
چون مسأله ناموسی است، می‌گوید «که میری»؛ یعنی بیش از اینها سؤال نکن، بر و خودت بگرد پیدا کن!... بله، انتخاب همسر مناسب، چه برای زنش و چه برای مردش، آنقدر مهم و استراتژیک است که دولت و ملت باید وارد گود شوند و آستین‌ها را بالا بزنند. فقط مختص ملت نیست که شهین خانم و مهین خانم‌ها یا بزرگترهای فامیل راه بیفتند دنبال کیس مناسب برای طرف. مسأله آنقدر مهم است که دولت هم احساس وظیفه می‌کند و بر خلاف حضرت حافظ اعلام می‌کند که بیری!

طبق اخبار واصله، وزارت جدیدالتأسیس ورزش و جوانان در حال تنظیم و تقدیم آیین‌نامه قشنگی به دولت است که به موجب آن دولت قصد دارد تا با توسعه مراکز مجاز همسریابی، در قالب این قانون، از یکسویه کاهش ازدواج‌های اینترنتی و از دگر سونیز به

افزایش میزان ازدواج افراد کمک کند.

**پیشنهاد جانی:** ضمن تقدیر و تشکر بابت دخالت دولت در امر ازدواج - که امیدواریم زبانم لال شباهتی به دخالت در بازار ارز و طلا نداشته باشد امیدواریم که این مراکز همسریابی بتواند کل جوانان عزب ما را که از بی‌همسری نالانند، به همسر مورد نظر خود برساند. در عین حال، بد نبود اگر که آن قانون مربوط به تسهیل ازدواج جوانان هم که قریب ۶ سالی می‌شود در راه دولت و مجلس، سرگردان است و به زبان حال می‌گوید: «غریب عاشقم، آن ره کدام است؟» یک جور تکلیفش روشن می‌شود. حالا که دارد تکلیف جوانان دنبال همسر به خوبی روشن می‌شود.

## چیزهای خطرناک چینی!

سالهاست که شاهد و ناظر واردات خیلی از چیزها از چین هستیم. فقط ظرف چینی را باید دقت کنیم که ممکن است ساخت ایران باشد. اگر بود، سریع بخریم که باید تولیدات خودمان را تقویت کنیم. وارد کردن خیلی چیزها از چین در راستای تحکیم روابط فیما بین، اشکالی ندارد. خصوصاً که نسبت به جاهای دیگر، ارزانتر هم هست. به خاطر نیروی کار ارزان‌تری که دارند. جمعیت زیاد، این خوبی‌ها را هم دارد. نه مثل ما که بر اساس نتایج آخرین سرشماری انجام شده در همین آبانماه ۹۰، نسبت به سال ۸۵ فقط پنج میلیون به جمعیت کشورمان اضافه شده است؛ به طوری که بعضی‌ها معتقدند باید جمعیت از چین بیاریم؛ در صورتی که خیلی از بزرگان، از جمله خود حقیقر، با این کثرت جمعیت مخالفیم و معتقدیم که جمعیت بیشتر، یارانه کمتر!

**یک ضرب المثل جدید:** بزوزی دست خداست، اما یارانه دست دولت!... بله، عرض می‌کردیم که خیلی از چیزها را می‌شود از کشور عالیقدر و عیالمند چین وارد کرد؛ همچنان که خیلی چیزها می‌شود به آن صادر کرد؛ اما این دلیل آن نمی‌شود که ما هر چیزی از آنجا وارد کنیم. با این نگرش، ما دو دسته واردات از چین می‌توانیم داشته و نداشته باشیم:

**۱- دسته اول:** چیزهایی است که برای زندگی آدم خیلی خطر ندارد؛ مثل انواع میوه پرنده و ادویه جات و گل و گیاه و اسباب بازی و فشفشه و ترقه و تخم مرغ و کشک و پیشم و... غیره! (اینها خب اشکالی ندارد؛ می‌شود وارد کرد. هم آنها خرج دارند، هم ما احتیاج.)

**۲- دسته دوم:** چیزهایی است که با جان آدم سرو کار دارد. مثل لاستیک‌هایی که از چین وارد کردند یا دارند و وارد می‌کنند یا قرار است وارد کنند. به خصوص اگر مربوط به چرخ هواپیما باشد که بد از بدتر. ترکیدن همان، تر کاندن حباب عمر همان! (بسا کسا که بر اثر ترکیدن یک لاستیک ناقابل، به شدت از دنیا رفته‌اند و بالعکس؛ یعنی با نتر کیدنش از دنیا نرفته‌اند!)

خب، حالا با این توصیف و توأصیف، حق داریم که نگران واردات لاستیک چینی باشیم یا نه؟... آن هم زمانی که طبق معمول سایر حرفه‌ایمان، داریم مستند و مدلل حرف می‌زنیم. اسناد ما به حرفه‌ای کارشناسانه رئیس مرکز تحقیقات صنایع لاستیک ایران است که در گفت و گو با خبرنگار واحد مرکزی خبر گفته است: «عمر مفید لاستیک‌های چینی، در مقایسه با نمونه‌های تولید

داخل، کمتر از ۵۰ درصد است که استفاده از آن می‌تواند موجب به خطر انداختن جان سر نشینان خود رو شود.»

### هشدار لاستیکی:

دست حاجت به سوی لاستیک چینی نبریم جنس بد مصلحت آن است که بالکل نخریم آری، این چنین است برادر!... صحبت از لاستیک ماشین است که با جان آدمیزاد سرو کار دارد، نه لاستیکی که مال بچه‌هاست و داخلش پوشک می‌گذارند که نوعی ایزوگام موقت و بچگانه جهت ممانعت از برخی صادرات اضافه است. جان آدمیزاد هم که بلانسیست، بلانسیست، شلغم نیست. گرچه، شلغم هم این روزها قاطی میوه‌ها شده است. به خاطر قیمتش که به موازات هویج رشد می‌کند.

حالا اضافه کنید به خطر جانی، ضرر مالی را که بر اثر استفاده از لاستیک‌های غیر استاندارد و بی کیفیت چینی، به صاحب مال وارد می‌شود و باعث افزایش ۲۰ درصدی مصرف بنزین وی می‌شود.

**بسته پیشنهادی:** ما که در قضیه واردات لاستیک چینی، نمی‌توانیم دخالتی بکنیم؛ چرا که نه سر بیازیم و نه ته نامبرده؛ فقط می‌توانیم در حد وسع ناچیزمان به صورتی ارشادی - ایجابی، یک بسته پیشنهادی در این راستا تهیه و تنظیم کنیم که می‌کنیم. به شرح زیر:

**۱- توقف سریع واردات:** از همین امروز دولت اراده کند که از فراداز چین لاستیک وارد نشود و دست‌های پیدا و پنهان در این قضیه هم از ناحیه مج به بالا شناسایی شوند. اگر هم دستی کج بود، ممکن است مال جریان انحرافی باشد.

**۲- دو تابد، یکی بیری:** آن دسته از ملت که هم اکنون دارای لاستیک چینی می‌باشند و بر اثر هشدارهای آگاهی بخش مادچار ترس از پنجری و ترکیدگی و در رفتگی ناخواسته از دار دنیا شده‌اند؛ با یاری سبز دولت و راه اندازی مراکز برای تعویض فوری، می‌توانند دو تالاستیک چینی بدهند، یک لاستیک ایرانی ببردند. زنده باد جنس ایرانی!

**۳- تبدیل لاستیک‌ها:** از آنجا که لاستیک بچه از هر جنسی که باشد، خطر مرگ ندارد؛ می‌توانیم در یک فرآیند باز یافتی، لاستیک‌های چینی روی دست مانده را به لاستیک قابل استفاده کودک تبدیل نماییم. فوقش دچار حساسیت پوستی و موضعی می‌شوند که پمادش در داخل هست. مواضع سیاسی جناحی که نیست که لا علاج باشد. فقط باید مراقب باشیم که افراد فرصت طلبی اقدام به وارد کردن پمادش از چین نکنند. خودمان داریم. می‌مالیم.

**۴- رعایت احتیاط واجب:** اگر بنا به پاره‌ای دلایل، نشد که از لاستیک‌های چینی استفاده نکنیم و مجبور شدیم که استفاده بکنیم؛ می‌توانیم با احتیاط و از منتهی الیه سمت راست جاده یا خیابان با سرعت زیر ۲۰ تا حرکت کنیم که به محض آن که ترکید، دستمان را بگیریم به دیوار. حالا فوقش متوجه می‌شویم که ترکیدگی مال ما نبوده، مال کس دیگری بوده است؛ ضرر نکردیم. تالدتان هم بخاوه، دیوار داریم. چیزی از شان کم نمی‌شود. اگر دیدی جوانی بر دیواری تکیه کرده، بدان که لاستیکش تر کیده است و گریه کرده!